

مجموعه گزارش‌های "با ما بخوانید"

شماره ۱۰: ارزیابی چشم‌انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶ و درس‌های سیاستی برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد ایران

تغییر مسیر اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۶؛ از امید بهبود تا بازگشت نااطمینانی

❖ مقدمه

اقتصاد جهانی در آغاز سال ۲۰۲۶ در مقایسه با سال‌های گذشته در موقعیت باثبات‌تری قرار داشت. کاهش تدریجی تورم، بهبود زنجیره‌های تأمین و انتظار برای کاهش نرخ‌های بهره، امید به بازگشت تدریجی رشد، افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود تجارت جهانی را تقویت کرده بود. اما این چشم‌انداز با افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی و تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه تغییر کرد. نگرانی درباره امنیت عرضه نفت و گاز، احتمال اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل، افزایش هزینه بیمه و تجارت و رشد نااطمینانی در بازارهای مالی، اقتصاد جهانی را دوباره با ریسک‌های جدید مواجه کرد. در نتیجه، انتظار برای کاهش سریع نرخ‌های بهره کاهش یافت، سرمایه‌گذاران محتاط‌تر شدند و بسیاری از بنگاه‌ها تصمیمات سرمایه‌گذاری خود را به تعویق انداختند.

شوک سال ۲۰۲۶ با بحران مالی ۲۰۰۸ تفاوت اساسی دارد. بحران ۲۰۰۸ از ضعف نظام مالی آغاز شد، اما بحران جدید عمدتاً منشأ ژئوپلیتیکی و عرضه دارد. افزایش ریسک‌های سیاسی، اختلال در انرژی و تجارت جهانی ابتدا هزینه تولید را بالا برد و سپس از طریق افزایش تورم، کاهش سرمایه‌گذاری و افت اعتماد فعالان اقتصادی، رشد جهانی را تحت فشار قرار داد. لذا، ابزارهای سنتی مانند کاهش نرخ بهره یا افزایش مخارج دولت، به تنهایی قادر به حل این نوع بحران نیستند؛ زیرا مشکل اصلی کاهش تقاضا نیست، بلکه افزایش نااطمینانی و محدود شدن ظرفیت عرضه است. در کنار ریسک‌های ژئوپلیتیکی، اقتصاد جهانی با آسیب‌پذیری‌های مالی نیز مواجه است. طی سال‌های گذشته، بسیاری از شرکت‌ها و دولت‌ها از نرخ‌های بهره پایین برای افزایش استقراض استفاده کردند. اما با تداوم نرخ‌های بهره بالا و افزایش هزینه تأمین مالی، شرکت‌های دارای بدهی بالا با فشار بیشتری مواجه شده‌اند. این شرایط می‌تواند سرمایه‌گذاری، توسعه تولید و اشتغال را محدود کرده و اثر شوک‌های جدید را تشدید کند.

بر اساس آخرین گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD، اگر تنش‌ها به تدریج کاهش یابد و قیمت انرژی از نیمه دوم سال ۲۰۲۶ روند نزولی پیدا کند، رشد اقتصاد جهانی از ۳.۴ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۲.۸ درصد در سال ۲۰۲۶ کاهش می‌یابد و سپس در سال ۲۰۲۷ به ۳.۱ درصد می‌رسد. در همین سناریو، تورم کشورهای

گروه ۲۰ از ۳.۴ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۴ درصد در سال ۲۰۲۶ افزایش می‌یابد و در سال ۲۰۲۷ دوباره به ۳.۱ درصد کاهش پیدا می‌کند. این ارقام نشان می‌دهد که حتی در خوش‌بینانه‌ترین سناریو نیز اقتصاد جهان با رشدی کندتر و تورمی بالاتر از انتظار مواجه خواهد بود.

در سناریوی بدبینانه، اگر اختلال‌های ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی تا سال ۲۰۲۷ ادامه پیدا کند، رشد اقتصاد جهانی به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته و به ۲.۱ درصد در سال ۲۰۲۶ و ۱.۸ درصد در سال ۲۰۲۷ خواهد رسید؛ وضعیتی که می‌تواند برخی اقتصادها را وارد رکود یا در آستانه آن قرار دهد. در این سناریو، تورم جهانی نیز نسبت به سناریوی پایه ۰.۴ واحد درصد در سال ۲۰۲۶ و ۱.۳ واحد درصد در سال ۲۰۲۷ افزایش می‌یابد. همچنین انتظار می‌رود نرخ بیکاری افزایش یابد، سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در بخش‌های انرژی بر مانند هوش مصنوعی، کاهش پیدا کند و ریسک بی‌ثباتی در بازارهای مالی بیشتر شود. پیامدهای این وضعیت برای همه اقتصادها محسوس خواهد بود، اما کشورهای در حال توسعه به دلیل وابستگی بیشتر به انرژی و مواد غذایی، محدودیت‌های مالی و آسیب‌پذیری بیشتر اقتصادشان، بیشترین فشار را متحمل خواهند شد.

مهم‌ترین پیام تحولات سال ۲۰۲۶ این است که ساختار ریسک در اقتصاد جهانی تغییر کرده است. در کنار متغیرهایی مانند تورم، نرخ بهره و رشد اقتصادی، عواملی مانند امنیت انرژی، ثبات ژئوپلیتیکی، تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین و ریسک‌های مالی اکنون نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصادها دارند. به همین دلیل، بسیاری از کشورها سیاست‌های خود را از حمایت‌های کوتاه‌مدت به سمت تقویت بنیان‌های اقتصادی، کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری تغییر داده‌اند؛ رویکردی که برای کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، درس‌های مهمی به همراه دارد.

❖ واکنش سیاستی کشورها و درس‌های سیاستی برای ایران

تحولات سال ۲۰۲۶ نشان داد ماهیت بحران‌های جدید اقتصاد جهانی با بحران‌های گذشته تفاوت دارد. در بحران مالی ۲۰۰۸، مشکل اصلی از بخش مالی آغاز شد و دولت‌ها با کاهش نرخ بهره، تزریق نقدینگی و بسته‌های حمایتی گسترده از رکود جلوگیری کردند. اما بحران اخیر عمدتاً ناشی از افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، اختلال در عرضه انرژی و رشد نااطمینانی بوده است؛ بنابراین سیاست‌های سنتی تحریک تقاضا کارایی محدودی دارند. به همین دلیل، بسیاری از کشورها به جای تمرکز بر حمایت‌های کوتاه‌مدت، سیاست خود را به سمت افزایش تاب‌آوری، کاهش آسیب‌پذیری و تقویت توان سازگاری اقتصاد تغییر داده‌اند.

در حوزه سیاست پولی، بانک‌های مرکزی اقتصادهای بزرگ با وجود کاهش تورم، از کاهش سریع نرخ‌های بهره خودداری کردند؛ زیرا بخش مهمی از فشارهای قیمتی همچنان از سمت عرضه و افزایش هزینه انرژی ناشی می‌شد.

آنها با اتکا به داده‌های اقتصادی، ارتباط شفاف با بازارها و حفظ اعتبار سیاست پولی تلاش کردند انتظارات تورمی را کنترل کنند. تجربه این دوره نشان داد اعتماد به بانک مرکزی و ثبات سیاست‌های پولی، نقش مهمی در حفظ آرامش اقتصادی در شرایط بحران دارد.

این موضوع برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. در اقتصادی با تورم مزمن، رشد نقدینگی بالا و ناترازی بانکی، کنترل تورم پیش‌شرط دستیابی به رشد پایدار است. اصلاح نظام بانکی، کاهش وابستگی بودجه به منابع تورم‌زا، تقویت اعتبار بانک مرکزی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌های اقتصادی، از مهم‌ترین اقدامات برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور محسوب می‌شود.

در حوزه سیاست مالی نیز کشورها پس از تجربه حمایت‌های گسترده دوران کرونا، به سمت انضباط مالی و حمایت‌های هدفمند حرکت کردند. تجربه نشان داد حمایت‌های فراگیر بدون پشتوانه مالی می‌تواند کسری بودجه، بدهی عمومی و فشارهای تورمی را افزایش دهد. به همین دلیل، دولت‌ها منابع خود را بیشتر به سمت زیرساخت‌های حیاتی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، امنیت انرژی و سرمایه‌گذاری در فناوری هدایت کردند. درس این تجربه برای ایران، ضرورت اصلاح ساختار بودجه و افزایش کیفیت هزینه‌های دولت است. کاهش هزینه‌های غیرمولد، اصلاح نظام یارانه‌ای، هدایت منابع به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد و تغییر نقش دولت از توزیع‌کننده منابع به سیاست‌گذار و تسهیل‌کننده رشد، می‌تواند ظرفیت اقتصاد برای مقابله با بحران‌ها را افزایش دهد.

یکی از مهم‌ترین محورهای سیاستی کشورها، بازتعریف مفهوم امنیت انرژی بود. بحران اخیر نشان داد داشتن ذخایر نفت و گاز به تنهایی کافی نیست و امنیت انرژی به توان تولید پایدار، زیرساخت مناسب، ذخایر راهبردی، تنوع منابع و بهره‌وری مصرف وابسته است. بسیاری از کشورها با توسعه زیرساخت‌های انرژی، کاهش وابستگی به منابع محدود و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید، تلاش کردند آسیب‌پذیری خود را کاهش دهند.

این موضوع برای ایران که دارای منابع گسترده نفت و گاز است، اهمیت زیادی دارد. مزیت انرژی زمانی به قدرت اقتصادی تبدیل می‌شود که با فناوری، بهره‌وری و توسعه زنجیره ارزش همراه باشد. کاهش شدت مصرف انرژی، توسعه صنایع پایین‌دستی، جلوگیری از خام‌فروشی، افزایش بهره‌وری و تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی می‌تواند ارزش اقتصادی منابع انرژی کشور را افزایش دهد.

در کنار انرژی، بازطراحی زنجیره‌های تأمین نیز به اولویت مهم کشورها تبدیل شد. بحران‌های اخیر نشان داد وابستگی شدید به تعداد محدودی تأمین‌کننده یا مسیر تجاری، اقتصادها را در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر می‌کند. به همین دلیل، کشورها به سمت تنوع‌بخشی شرکای تجاری، ایجاد ذخایر راهبردی، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و تقویت زنجیره‌های تأمین داخلی حرکت کردند.

برای ایران نیز توسعه کریدورهای ترانزیتی، بهبود زیرساخت‌های لجستیکی، اصلاح نظام گمرکی، کاهش هزینه تجارت و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند از فرصت‌های مهم اقتصاد جهانی جدید باشد. موقعیت جغرافیایی ایران ظرفیت تبدیل شدن به یک مرکز مهم تجارت منطقه‌ای را دارد، اما بهره‌گیری از این مزیت نیازمند ثبات مقررات، بهبود محیط کسب و کار و سرمایه‌گذاری مستمر در زیرساخت‌ها است.

همچنین اقتصادهای پیشرفته بخش قابل توجهی از سیاست‌های توسعه‌ای خود را بر فناوری، اقتصاد دیجیتال، هوش مصنوعی و افزایش بهره‌وری متمرکز کرده‌اند. دلیل این رویکرد آن است که در شرایط افزایش هزینه تولید، کاهش رشد جمعیت و تداوم نااطمینانی‌های جهانی، رشد آینده بیش از گذشته به توان نوآوری و استفاده مؤثر از فناوری وابسته خواهد بود.

برای ایران نیز توسعه فناوری باید به بخشی از راهبرد رشد اقتصادی تبدیل شود. افزایش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، حمایت هدفمند از شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده از فناوری برای کاهش مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری، از مهم‌ترین مسیرهای تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد کشور است.

در نهایت، تجربه اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد کشورهایی موفق‌تر خواهند بود که به جای واکنش‌های کوتاه‌مدت، بر اصلاحات ساختاری، ثبات اقتصاد کلان، امنیت انرژی، فناوری و بهره‌وری تمرکز کنند. مهم‌ترین درس برای ایران این است که تاب‌آوری اقتصادی تنها با برخورداری از منابع طبیعی ایجاد نمی‌شود، بلکه نیازمند اصلاح نهادهای اقتصادی، بهبود کیفیت سیاست‌گذاری، ایجاد محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری و افزایش توان رقابت در اقتصاد جهانی است.

بر این اساس، با توجه به شرایط بحران‌های جهانی و افزایش نااطمینانی، بازارهایی که صرفاً بر پایه سفته‌بازی، هیجان کوتاه‌مدت و انتظار افزایش قیمت شکل گرفته‌اند، از پرریسک‌ترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند و ورود به آنها می‌تواند زیان‌پذیری بالایی داشته باشد. همچنین صنایع انرژی‌بر با فناوری قدیمی و بهره‌وری پایین، به دلیل آسیب‌پذیری در برابر افزایش هزینه انرژی و تغییرات بازار جهانی، چشم‌انداز مناسبی ندارند. کسب و کارها و سرمایه‌گذاری‌هایی که به یک بازار، یک تأمین‌کننده یا یک مسیر تجاری محدود وابسته هستند نیز در شرایط بحران، به دلیل احتمال اختلال در تجارت و زنجیره تأمین، ریسک بالاتری دارند. علاوه بر این، پروژه‌های بزرگ فاقد مزیت رقابتی مشخص، بازار تضمین‌شده یا فناوری مناسب، می‌توانند سرمایه را در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی با خطر بیشتری مواجه کنند؛ بنابراین در دوره‌های بحران، سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی که پشتوانه واقعی، درآمد پایدار و توان سازگاری با شوک‌های اقتصادی ندارند، گزینه مناسبی محسوب نمی‌شود. در شرایط ایران نیز، سرمایه‌گذاری در فعالیتهای واردات‌محور و وابسته به نوسانات ارز، صنایع پرمصرفی که فاقد

نوسازی فناوری و بهره‌وری کافی هستند، و پروژه‌های بزرگی که بازار صادراتی، قرارداد فروش پایدار یا مزیت رقابتی روشن ندارند، باید با احتیاط جدی انجام شود؛ زیرا این فعالیت‌ها در برابر شوک‌های ارزی، محدودیت تأمین و افت تقاضا آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

❖ جمع‌بندی و الزامات سیاستی برای اقتصاد ایران

تحولات اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که ریسک‌های ژئوپلیتیکی، امنیت انرژی، آسیب‌پذیری زنجیره‌های تأمین و نااطمینانی‌های مالی، به اندازه متغیرهای سنتی اقتصاد کلان بر رشد و ثبات کشورها اثرگذار شده‌اند. در چنین شرایطی، برخورداری از منابع طبیعی یا ظرفیت تولید به‌تنهایی مزیت رقابتی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه توانایی مدیریت ریسک، حفظ ثبات اقتصاد کلان و افزایش تاب‌آوری در برابر شوک‌های خارجی، عامل اصلی موفقیت کشورها خواهد بود.

تجربه اقتصادهای بزرگ نیز نشان می‌دهد که رویکرد سیاست‌گذاری از حمایت‌های کوتاه‌مدت به سمت اصلاحات ساختاری و تقویت ظرفیت اقتصاد برای مواجهه با بحران‌ها تغییر کرده است. برای ایران، این تجربه اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا اقتصاد کشور علاوه بر تأثیرپذیری از تحولات جهانی، با چالش‌های داخلی مانند تورم مزمن، ناترازی‌های مالی و بانکی، محدودیت سرمایه‌گذاری و بهره‌وری پایین نیز روبه‌رو است. از این‌رو، افزایش تاب‌آوری اقتصاد ایران مستلزم اصلاحات داخلی و ارتقای کیفیت حکمرانی اقتصادی است.

هم‌زمان، شرایط جدید اقتصاد جهانی ضرورت بازنگری در الگوی سرمایه‌گذاری را نیز پررنگ‌تر کرده است. در محیطی با نااطمینانی بالا، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های فاقد مزیت رقابتی، بهره‌وری پایین یا وابستگی زیاد به نوسانات بازار، با ریسک بیشتری همراه خواهد بود. در مقابل، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مولد، دانش‌بنیان، زیرساختی، صادرات‌محور و دارای ارزش افزوده بالا، ظرفیت بیشتری برای ایجاد رشد پایدار و افزایش مقاومت اقتصاد در برابر شوک‌های آینده دارد.

در مجموع، مهم‌ترین پیام تحولات سال ۲۰۲۶ آن است که در اقتصاد جهانی جدید، «تاب‌آوری» به اندازه «رشد» اهمیت یافته است. موفقیت کشورها بیش از گذشته به کیفیت سیاست‌گذاری، توان اجرای اصلاحات ساختاری و ظرفیت سازگاری با تحولات جهانی وابسته خواهد بود. برای ایران نیز دستیابی به رشد پایدار، مستلزم تداوم اصلاحات اقتصادی، بهبود محیط کسب‌وکار، ارتقای بهره‌وری و استفاده مؤثر از مزیت‌های نسبی کشور در چارچوب تحولات جدید اقتصاد جهانی است.